



۲۰۱۷/۱۲/۱۳

شیر محمد صافی

## مکتی بر اندیشه "جان لاک" در حوزه فلسفه سیاسی

لاک تفکر را حاصل مجموعه بی از تصورات می دانست. تصورات ناشی از تاثیرپذیری عضوهای حسی هستند. عضوهای حسی دو نوع تصور در مغز ایجاد می کنند: نخست، تصورات ناشی از احساس است، منشای این تصورات به طور مستقیم بیرون از ذهن قرار دارد. دوم، تصورات حاصل از ادراک ذهنی هستند. این دسته دوم از تصورات حاصل کار ذهن روی تصورات بیرونی به حساب می آیند.

حاصل این دو گونه تصور مجموعه بی از آگاهی و اندیشه را تشکیل می دهد. بنابر این هر آنچه در ذهن ما وجود دارد حاصل تجربه است. او معرفت را ادراک پیوندهای میان تصورات می داند.

"رونی دیکارت" (René Descartes) تصور را چیزی به کلی عقلی می پندارد، در حالیکه "جان لاک" (Locke John) تصور را به کلی حسی می داند. اگر چیزی که در باره آن می اندیشیم به حس درک نشده باشد، فقط تصویری حسی از محسوسات است. او حتی مجردترین تفکرات را نیز به همین شکل تبیین می کند.

تفکر نزد لاک داشتن بعضی تصورها در ذهن و راه های گوناگون ترکیب، سنجش و کاربرد آن تصویرها است. اگر چه لاک در زمینه شناخت، اصالت را به حواس می دهد اما معتقد است شناختی که از راه حواس به دست می آیند محدود است و فقط وجود اشیا را به ما می شناسانند نه طبیعت و ماهیت شان را.

آنچه لاک در تقریر نظریه سیاسی خود گفته تا به امروز یکی از مهم ترین اندیشه ها در تاریخ آزاد اندیشی محسوب می شود.

آزادی فرد (liberty) بر اساس نظریه لاک، خداوند انسان را آفرید. هدف اصلی او از آفرینش، حیات است. بنا براین قتل و خودکشی هدف الهی را نقض می کند.

اگر شخص حیات را یک هدف میداند، این سؤال وجود دارد که ابزار لازم برای تحقق این هدف چیست؟ از نظر لاک، آنها عبارتند از زندگی، آزادی، سلامت و دارایی.

به اهتمام ولی احمد نوری

اینها حقوق طبیعی اند، یعنی حقوقی که در وضع طبیعی قبل از عرضه حکومت مدنی داریم و همگان در این خصوص از حقوق مساوی برخوردارند.

لاک می گوید وضع طبیعی یک قانون طبیعی دارد که بر آن حاکم است و همگان را ملزم می کند و عقل که همان قانون است، به بشری که از عقل رأی می جوید، می آموزد که چون همه برابر و مستقل اند، هیچ کس نباید به زندگی، سلامت، آزادی و مال دیگران صدمه بزند. قانون طبیعی توسط عقل آشکار می شود و دستور می دهد که چه چیز برای ما بهترین است. لاک نظریه وضع طبیعی را نوعی مدینه فاضله نمی داند بلکه آن را وسیله تحلیلی می داند که توضیح می دهد چرا ارائه حکومت مدنی لازم است و وظیفه قانونی آن چیست؟

"جان لاک" (Locke John) از حکومت استبداد که پایه آن براساس زور است بیزار می کند و می گوید که چون زور، حق ایجاد نمی کند دیری نمی باید که مردم با انقلاب و شورش که حق طبیعی شان است آن را از سر راه برمی دارد. پس شاخصه اصلی نظریه او، بر عکس هابز، بیزاری از حکومتی است که به زور و استبداد متوسل شود.

"جان لاک" در رساله اش در باره حکومت، نظریه حکومت مطلقه را رد می کند. او نیز چون هابز معتقد است که برای حکومت کردن به فرمانروا نیاز است اما بر خلاف هابز قدرت مطلقه را برای فرمانروا جایز نمی داند.

فرمانروا باید پاسخگوی اعمالش باشد و مجمع خاصی باید از او پاسخ بخواهد. این مجمع خاص نماینده مردم خواهند بود. او این گونه حکومت را مردمسالار نمی داند بلکه حکومت سلطنت مشروطه می نامد.

نظریه سیاسی توماس هابز بر پایه نوعی نگرش بدبینانه به ذات انسان قرار داشت، در مقابل آن نظریه سیاسی جان "جان لاک" بر پایه خوشبینی نسبت به ذات انسان استوار شده است.

در نظر جان لاک، قدرت سیاسی یک ودیعه است که از نوعی قرارداد که بین افراد جامعه منعقد شده است سرچشمه می گیرد.

در سال ۱۶۸۸ که به انقلاب شکوهمند در این کشور معروف است. تاریخ سیاسی مدرن بریتانیا از همین زمان آغاز می گردد.

پیکره دولت بر پایه الگویی که لاک از سالها پیش از نظر تئوریک طراحی کرده بود شکل می گیرد. سلطنت مشروطه که در آن پارلمان و دربار در موازنه سیاسی، قدرت را در دست دارند، فراهم آمد. نظام دموکراسی پارلمانی تدریجاً به سوی نهادینه شدن می رود.

«نظریات سیاسی لاک با تصرفات "مونتسکیو" در آنها، در قانون اساسی آمریکا تجسم یافته است. قانون اساسی انگلستان نیز تا حدود پنجاه سال پیش مبتنی بر نظریات "جان لاک" بود، همچنین قانون اساسی که فرانسویان در سال ۱۸۷۱ میلادی تصویب کردند». (برتراند راسل)

بقول "ریچارد پاپکین": (اگر بگویم طراح نظریه دموکراسی که فعلاً در جهان غرب وجود دارد، "جان لاک" است، سخنی به گزاف نگفته ایم.)

---

جان لاک (Locke John ۱۶۳۲-۱۷۰۴)، پدر لیبرالیزم؛ او در خانواده ای پروتستان پرورش یافت. در معرفت شناسی، سه نفر جان لاک، جورج برکلی و دیوید هیوم به عنوان بنیانگذاران فلسفه تجربی برتانیه نامیده شدند. توماس هابز (۱۵۸۸ - ۱۶۷۹) یکی از فیلسوفان سیاسی برجسته انگلستان بود.

رونی دکارت (René Descartes ۱۵۹۶ - ۱۶۵۰) متفکر بزرگ فرانسوی و بنیانگذار راه سیونالیزم در عصر جدید است.

بارون دو مونتسکیو (Baron de Montesquieu ۱۶۸۹-۱۷۵۵) یکی از متفکران سیاسی فرانسه در عصر روشنگری. برتراند آرتور ویلیام راسل، (۱۸۷۲ - ۱۹۷۰)، فیلسوف، منطق دان، ریاضی دان، مؤرخ، جامعه شناس، جایزه دار نوبل و فعال صلح طلب برتانوی بود که در قرن بیستم می زیست.

ریچارد پاپکین (Richard Popkin ۲۰۰۵ - ۱۹۲۳) فیلسوف امریکایی است.

انجنیر - شیر ساپی

